گزارش

فدراسیون دوچرخه‌سواری تعلیق شد

■ شرق: ناآرامی دوباره در ورزش ایران. زنگ خطری که جدی گرفته نشد تا حالا شرایط به بدترین شکل ممکن برسد. مثل اینکه قرار است خوشحالی‌های نتایج المپیک به تلخ‌کامی تبدیل شود. تلخی‌ای که تنها به خاطر تصمیمات غلط و سوءمدیریت مدیران غیرورزشی است تا آبروی ورزش ایران در مجامع بین‌المللی به بازی گرفته شود. آخرین نامه‌های تهدیدآمیز از سوی فدراسیون‌های جهانی دوچرخه‌سواری و شنا است که برای محمد علی‌آبادی، رییس کمیته ملی المپیک ارسال شده. اما این بار دیگر مصالحه‌ای در کار نیست بلکه آب پاکی روی دست مسوولان ریخته شده. ناخوشایندترینش اعلام خبر تعلیق قطعی فدراسیون دوچرخه‌سواری است. براساس آخرین نامه فدراسیون جهانی دوچرخه‌سواری، فدراسیون دوچرخه‌سواری ایران تنها قادر است مسابقات داخلی برگزار کند و تا اطلاع ثانوی از حضور در میادین بین‌المللی محروم شده است. فدراسیون بین‌المللی این رشته با اشاره به نامه اخیر هشداری IOC و شرایطی که برای ایران از سوی کمیته بین‌المللی المپیک تعیین شده، اعلام کرده تا وقتی که اساسنامه فدراسیون دوچرخه‌سواری ایران اصلاح نشود، برگزاری هرگونه انتخابات را قبول ندارد و ایران تنها می‌تواند مسابقات داخلی برگزار کند که این به آن معناست که دوچرخه‌سواری ایران از حضور در میادین بین‌المللی منع و تعلیق شده است. این در حالی است که وزارت ورزش و جوانان برخلاف قوانین کمیته ملی المپیک مجمع انتخاباتی فدراسیون دوچرخه‌سواری را غیرقانونی برگزار و خسرو قمری را به عنوان رییس جدید این فدراسیون انتخاب کردند، رییسی که فدراسیون جهانی آن را به رسمیت نمی‌شناسد و در سایت خبری‌اش همچنان نام علی زنگی‌آبادی، رییس پیشین را که ناگهانی برکنار شد قید کرده است. نکته جالب توجه در سایت رسمی فدراسیون جهانی دوچرخه‌سواری این است که مقابل نام ایران ستاره‌ای قرمز رنگ درج شده است که به معنای دخالت دولت و تعلیق این فدراسیون است. علی زنگی‌آبادی رییس سابق این فدراسیون چندی پیش به دلایل نامعلوم از سمتش برکنار شد و خسرو قمری به عنوان سرپرست هدایت این فدراسیون را برعهده گرفت. با توجه به اینکه زنگی‌آبادی خود از بدنه وزارت ورزش بود گفته شد وزارتی‌ها به اجبار از او استعفا گرفتند اما فدراسیون جهانی استعفای او را نپذیرفت. اما واکنش فدراسیون دوچرخه‌سواری بعد از خبر تعلیقش تنها این بود که این نامه تعلیق نبوده و بیشتر جنبه توضیحی و سوالی دارد که فدراسیون نیز پاسخ آنها را داده است. اما فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلو هم که شرایطی مشابه با فدراسیون دوچرخه‌سواری دارد، ظاهرا قرار است ظرف چند روز آینده به این سرنوشت دچار شود. فدراسیونی که طی دو سال و نیم گذشته چهار رییس و سرپرست خود را بدون دلیل و برگزاری مجمع برکنار کرده است. بعد از ارسال چندین نامه تهدیدآمیز از سوی فدراسیون‌های آسیایی و جهانی این رشته، این دو مرجع برای آخرین بار هشدار خود را به فدراسیون ایران دادند و اعلام کردند خطر تعلیق جدی است. در متن نامه‌های فدراسیون آسیایی و جهانی شنا، شیرجه و واترپلو آمده: «براساس اعلام قبلی و با توجه به شرایط کنونی فدراسیون شنای ایران و نامه کمیته بین‌المللی المپیک به کمیته ملی المپیک این کشور در تاریخ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ (۲ تیر ۹۱) لازم است توجه داشته باشید که فدراسیون شنای آسیا تا زمانی که تحقیقات کمیته بین‌المللی المپیک، شورای المپیک آسیا، فدراسیون جهانی شنا و کنفدراسیون شنای آسیا کامل نشده باشد، هیچ انتخاباتی را قبول ندارد. بر این اساس، از شما درخواست می‌شود هیچ انتخاباتی برگزار نکنید.» فدراسیون شنا نیز سه ماه پیش در آستانه بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، به یکباره غلامرضا جعفری، سرپرست این فدراسیون را برکنار و برانوش نیک‌بین را در این سمت گمارد. پیش از جعفری، امیرحسین آیت‌اللهی ریاست فدراسیون شنا را به عهده داشت که به دلیل تخلفات مدیریتی و مالی اخراج شد. قبل از آیت‌اللهی هم وحید مرادی رییس بود که او نیز در بدو ورود علی سعیدلو، رییس سازمان منحل شده تربیت‌بدنی برکنار شد. تنش‌های به وجود آمده در ورزش ایران اوایل خرداد ماه با برکناری احمد دنیامالی رییس فدراسیون قایقرانی آغاز شد و کار به مجامع بین‌المللی و نیز تعلیق این فدراسیون و حتی احتمال تعلیق کمیته ملی المپیک ایران هم کشیده شد. دنیامالی نیز در شرایطی مشابه مثل روسای دوچرخه‌سواری و شنا ناگهانی و بدون برگزاری مجمع برکنار شد. بعد از آن هم نوبت به کریم صفایی، رییس فدراسیون تیراندازی با کمان رسید که آخرین رییس اخراجی باشد. با این حال در شرایطی که IOC برگزاری هرگونه انتخابات اعم از فدراسیون و کمیته ملی المپیک ایران را منع کرده است، اما وزارت ورزش بی‌توجه به همه قوانین، مجامع دو فدراسیون قایقرانی و دوچرخه‌سواری را برگزار کرده و به ترتیب شروین اسبقیان و خسرو قمری را در این سمت گمارده که خلاف قوانین جهانی است. نکته جالب این است که با وجود سپری شدن حدود دو هفته از برگزاری مجمع انتخاباتی فدراسیون قایقرانی، تنها سایت فدراسیون جهانی رویینگ «اسبقیان» را به رسمیت شناخته و فدراسیون‌های جهانی «سیلینگ» و «کانوییینگ» هنوز دنیامالی را به‌عنوان رییس قایقرانی ایران می‌شناسد. جالب‌تر اینکه تا روز یکشنبه هفته جاری در سایت رسمی فدراسیون جهانی «سیلینگ» نام «اسبقیان» به عنوان رییس فدراسیون ایران درج شده بود که به یکباره این سایت نام او را حذف و مجددا نام «دنیامالی» را به عنوان رییس فدراسیون قایقرانی ایران درج کرد. به هر حال باید منتظر ماند و دید آیا مدیران ارشد ورزش ایران همچنان قصد دارند نسبت به این قضایا بی‌تفاوت باشند یا نه؟

روایت احمد دنیامالی از تعلیق فدراسیون‌های ورزشی

پشت‌پرده نامه‌هایی که بی‌پاسخ ماندند

سارا گودرزی

عکس: میلاد پیامی

موضعش همان است که بود. تندترین انتقادها را از مسوولان ارشد ورزش کشور می‌کند و به صراحت می‌گوید به افراد غیرورزشی، اجازه این را نمی‌دهد با سوابق ۳۰ساله روشن مدیریتی‌اش بازی کنند. او که طی هفت سال گذشته همواره یکی از معدود روسای موفق ورزش ایران بوده این بار جدی‌تر به مسوولان وزارت ورزش و جوانان هشدار می‌دهد خطر تعلیق فدراسیون قایقرانی جدی است و افکار عمومی را با موفقیت‌های اخیر کاروان کشورمان در المپیک لندن فریب ندهند. «احمد دنیامالی» معتقد است پوزیشن جهانی و نفوذش در فدراسیون بین‌المللی قایقرانی آنقدر بالاست که وزارتی‌ها به هیچ‌وجه نمی‌توانند خواسته خود را به کرسی بنشانند. گفت‌وگوی شرق با رییس برکنارشده فدراسیون قایقرانی را می‌خوانید.

■■■

بالاخره تعلیق قایقرانی ایران به کجا رسید، تهدیدهای مراجع جهانی واقعا جدی است؟

بله، البته که جدی است. متاسفانه مدیران ارشد ورزش خصوصا در سطح وزارتخانه دچار یک توهم شدند و روزبه‌روز این مشکل را پیچیده‌تر می‌کنند.

اینکه با کمیته بین‌المللی المپیک مذاکره نمی‌کنند، علنا شرایطی را به وجود آوردند که ورزش ایران، تهدید، تحقیر و در نهایت تعلیق شود. آقایان با اطلاعات غیرحرفه‌ای که به افکار عمومی منتقل کردند، سعی دارند که بگویند همه‌چیز خوب و آرام است اما به صراحت باید بگویم اگر این رفتارها ادامه داشته باشد ما روزهای پراغتشاشی را در ورزش کشور خواهیم داشت. اینکه به سیل مکاتبات فدراسیون‌های آسیایی و جهانی و IOC بی‌توجهی می‌شود پیامدهای سنگینی را برای ما دارد. طبیعتا اگر این شرایط به وجود بیاید دوستان برای توجیه رفتارهای غیرمدیریتی‌شان از یک دفاع نخ‌نما شده استفاده خواهند کرد و آن هم این است که با مجامع جهانی وارد رایزنی می‌شوند و منافع ملی را در نظر می‌گیرند. کارهای کهنه و قدیمی‌ای که دوستان برای اینکه سهل‌انگاری‌هایشان را به یکسری افراد دیگر منتسب کنند اما در موضوع فدراسیون قایقرانی مشکل برجسته‌تر است. علتش هم این است که من در فدراسیون جهانی و آسیایی این رشته به عنوان یک عضو موثر و شناخته شده مطرح هستم. طبیعتا هر رفتاری که در ایران با من می‌شود، سران این دو فدراسیون آنها را آنالیز می‌کنند و زیر ذره‌بین قرار می‌دهند که این شکل عادی قضیه است. من از روز اول به وزیر گفتم که این تصمیم سنگین را برای قایقرانی نگیرید. ای کاش خیلی راحت و دوستانه به من می‌گفتید تا من خودم کنار بروم. من این موضوع را همان روزهای اولی که آقای عباسی به وزارت ورزش آمدند، به ایشان رسما اعلام کردم که اگر می‌خواهید نباشم بدون حاشیه می‌روم اما دوستان اصرار داشتند از لفظ برکناری استفاده کنند که در مورد سه فدراسیون دیگر دوچرخه‌سواری، تیروکمان، شنا، شیرجه و واترپلو هم صادق است. شما در فدراسیون فوتبال دیدید که چه مسایلی به وجود آمد. شاید عده‌ای که این آقایان را به بیراهه بردند استنباطشان این است که در فوتبال شرایط حساس است ولی در مورد فدراسیون دیگر موضوع فرق دارد و هرکاری بخواهند می‌توانند بکنند. ولی من به همه این افراد می‌گویم این مشکل را بیشتر از این پیچیده نکنند و دنبال راهکار و تعامل باشند.

هنوز هم دلیلی برای برکناری‌تان ندارند؟

تا الان که چیزی نگفتند اما مساله اینجاست که اینها؛ دنبال یکسری افراد مجیزگو و بله‌قربان‌گوی مبتدی هستند. در حالی که من ۳۲، ۳۳ سال کار مدیریتی کردم، از لحاظ تحصیلات عالی‌ترین سطح آکادمیک را دارم، سوابقم برای همه روشن است و مسوولیت‌های زیادی را در کشور داشتم و کسی نیستم که بتوانند نقطه‌ضعفی را به من وارد کنند. اینها باید قدری باهوش عمل می‌کردند که متاسفانه این کار را نکردند. کارهای دوستان وزارت ورزش تا حدی است که غیرواقعی به سازمان بازرسی کل کشور نامه زدند و برای شش ماه حکم انفصال از خدمات دولتی برای من گرفتند.

به چه دلیل؟

به بهانه دو شغله بودن. در حالی که من آذرماه ۸۸ از شهرداری کناره‌گیری کردم اما اینها دو سال و نیم بعد از کناره‌گیری من از شهرداری و یک ماه بعد از برکناری از فدراسیون از تیرماه این کار را انجام دادند. جالب اینجاست که سازمان بازرسی هم به وزارت ورزش اعلام کرده که هیچ مجازاتی شامل حال من نمی‌شود و مشمول قوانین دو شغله‌ها نیستم.

یعنی با این شرایط برگزاری انتخابات جدید فدراسیون قایقرانی غیرقانونی است؟

بله، منشور المپیک بحثی که دارد این است که ورزش یک مقوله مجزا از بحث‌های حکومت‌ها و سیاست‌هاست. انتخاب و برکناری یک رییس باید با برگزاری مجمع باشد. ضمن اینکه مدیران باید خودشان را با پروتکل‌های جهانی تطبیق بدهند. حالا به چه علتی این موضوع در گذشته مورد توجه نبوده، بخشی از آن به دلیل شرایط تساهل و تسامحی که در دنیا بوده برمی‌گردد، به اضافه اینکه خود ما یکسری پنهان‌کاری‌هایی هم می‌کردیم. به هر حال موضوع دخالت دولت در امر ورزش تداعی معانی مغایری با منشور المپیک دارد. در فدراسیون‌های جهانی کسی که رییس است طبق قانون خودش ریاست مجامع را به عهده دارد اما در اینجا رییس مجامع انتخاباتی فدراسیون‌ها یا وزیر است یا معاونانش. به طور کلی این قاعده در دنیا منسوخ است به دو دلیل؛ اول اینکه وزیر ورزش یک پوزیشن مردمی نیست بلکه دولتی است، دوم اینکه وزیر یا معاونانش نمی‌توانند رییس مجامع باشند چرا که هر مجمعی باید رییسش را از درون خود فدراسیون انتخاب کند.

یعنی مجامعی که الان با ریاست سجادی برگزار می‌شود، غیرقانونی است؟

بله، نباید این‌طور باشد. باید اساسنامه را اصلاح کنیم به همین دلیل است که مجامع ما آن قدرت لازم را ندارند. همه بحث این است که از رفتارهای اشتباه در حوزه ورزش جلوگیری شود. اگر این کار را بکنیم به مجامع قدرت دادیم و در واقع اختیار هیات‌رییسه هم بیشتر می‌شود.

از آخرین نامه‌ای که کمیته بین‌المللی المپیک منتشر کرده، چه خبری دارید، مسوولان وزارت ورزش یا کمیته ملی المپیک واکنش نشان ندادند؟

در حین بازی‌های المپیک لندن قرار شد آقایان عباسی، علی‌آبادی و افشارزاده نشستی را با مسوولان IOC و چند فدراسیون جهانی تعلیقی داشته باشند که دوستان در این جلسه شرکت نکردند و گفتند در ترافیک ماندند. قرار شد این نشست به فردای آن روز موکول شود اما باز هم وزیر در جلسه حاضر نشدند. ما سعی کردیم در سفر دوم آقای عباسی این نشست را ترتیب بدهیم که باز هم نشد و وزیر تشریف نیاوردند. مسوولان کمیته بین‌المللی المپیک هم این بدقولی و بی‌اعتنایی مقامات ورزش ایران را یک توهین بزرگ به خودشان قلمداد کردند. چرا که در مقابل، بیش از ۲۰ نامه از سوی IOC و فدراسیون‌های جهانی منتشر کردند که با هیچ واکنشی همراه نبوده است. سایت فدراسیون جهانی دوچرخه‌سواری عملا فدراسیون این رشته را در ایران تعلیق کرده و با ستاره جلوی نام ایران علامت زده است. با وجود این شرایط IOC در نامه تهدیدآمیز آخری که دو هفته پیش برای کمیته ملی المپیک ارسال کرده چهار الزام را برای ورزش کشورمان در نظر گرفته است. اول اساسنامه فدراسیون‌ها اصلاح بشود. دوم انتخابات هیچ فدراسیونی برگزار نشود. سوم، اصلاح اساسنامه کمیته ملی المپیک و لغو انتخابات این کمیته. مورد چهارم که خیلی روی آن تاکید شده بازگشت به کار چهار فدراسیونی است که روسای آنها بدون مجمع برکنار شده‌اند. با این حال دوستان نه در وزارت نه در کمیته ملی المپیک هنوز هیچ واکنشی نسبت به این نامه نشان ندادند. به نظرم بهتر است هر چه زودتر مراجع وارد تعامل شوند و شادکامی کاروان ایران را در لندن به تلخکامی تبدیل نکنند.

در لندن با رییس فدراسیون جهانی در این باره صحبتی نکردید؟

چرا، اما با آن بی‌توجهی‌ای که آقایان در نشست با مسوولان این فدراسیون و IOC کردند، کمیته ملی المپیک هم به فدراسیون‌های جهانی این چهار رشته اعلام کرد از این به بعد دیگر کاری با این مشکل نداشته باشند و خودشان طرف حساب مقامات ورزش ایران هستند. مشکل کار اینجاست که از عمر این دولت زمان زیادی باقی نمانده و مشکلات به دولت بعدی منتقل می‌شود. البته به نظر من در کنار این داستان‌ها اتفاقات خوب هم ممکن است برای ورزش ایران رخ دهد. اینکه اساسنامه فدراسیون‌ها اصلاح شود یک فرصت تاریخی برای ورزش ماست، یا اینکه انتخابات کمیته ملی المپیک هم به بعد از انتخابات ریاست جمهوری منتقل شود را هم باید به فال نیک گرفت. این موضوع برای همیشه این جریان را اصلاح می‌کند که معمولا روسای کمیته ملی المپیک در دوره‌هایی با دولت همسو نبودند. حالا فرقی نمی‌کند دولت هر گرایشی که می‌خواهد داشته باشد. مهم این است رییس کمیته ملی المپیک بتواند از دولت حمایت بگیرد و پشتیبانی‌های لازم را به‌خصوص در مورد فدراسیون‌های المپیکی داشته باشد.

اما گفته می‌شود که مسوولان کمیته ملی المپیک خودشان با IOC لابی کردند که انتخابات را تا پایان دولت فعلی برگزار نکنند؟

نه، به این سادگی هم نیست. الان با این نامه جدی آخر IOC هم فدراسیون‌های ملی ما باید اساسنامه‌هایشان را اصلاح کنند و به فدراسیون‌های جهانی مربوطه بفرستند تا مورد تایید آنها قرار بگیرد. از طرف دیگر کمیته ملی المپیک باید این شرایط را انجام بدهد. بعدا ما می‌توانیم انتخابات کمیته را برگزار کنیم. انتخابات کمیته نمی‌تواند قبل از فدراسیون‌های ملی برگزار شود. تعداد زیادی از فدراسیون‌های ما سرپرست دارند و تعدادی هم برکنار شدند که در حال حاضر مورد اعتراض IOC هستند. بنابراین عملا برگزاری انتخابات کمیته قانونی نیست. پیش‌بینی خوشبینانه من این است که انتخابات کمیته به سال آینده بعد از انتخابات ریاست جمهوری موکول شود. ولی موضوعی که باید به آن اشاره کنم این است که اگر اتفاقی برای ورزش ایران بیفتد فقط وزارت ورزش مسوول نیست بلکه کمیته ملی المپیک هم مقصر است چرا که هیچ‌یک از نامه‌های تهدیدآمیزی که از طرف مراجع جهانی ارسال می‌شود را منتشر نمی‌کند. ارگان‌ها و مجموعه‌های نظارتی هم به نوعی مقصرند که اصلا وارد این قضیه نمی‌شوند و تصمیم گرفتند ورزش را نابود کنند. ما داریم فرصت را برای بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ کره جنوبی از دست می‌دهیم. حداقلش این است که عنوان چهارمی‌مان را در آسیا تکرار کنیم ولی متاسفانه با این تصمیمات شرایط را برای دولت آینده خراب خواهیم کرد.

علت اینکه کمیته ملی المپیک طی این مدت گاهی موضعش را تند کرده و بعد عقب‌نشینی کرده چیست؟

دوستانی که در هیات اجرایی کمیته ملی المپیک هستند سلیقه‌های متفاوتی دارند. تنها کسی که تا به این لحظه به این موضوعات وارد شده و شفاف انتقاد کرده آقای مهدی هاشمی بوده است. انتظار می‌رود آقایان دیگر به دلیل مسوولیتی که دارند به این قضیه ورود کنند و حرف بزنند.

یعنی می‌ترسند خطری تهدیدشان کند؟

من نمی‌دانم، به هر حال هر چه هست هیات اجرایی کمیته وظیفه‌ای را که باید به درستی انجام می‌داد نداده است.

تنها موضعی که این مدت گرفتند این بوده که نماینده‌شان را در انتخابات فدراسیون‌های قایقرانی و دوچرخه‌سواری نفرستادند.

اگر این کار را می‌کردند اوضاع خیلی بدتر می‌شد. من می‌دانم اعضای هیات اجرایی کمیته با این رویه وزارت ورزش مخالف هستند ولی بحثم این است که باید عکس‌العمل‌هایشان جدی باشد. بالاخره آنها یک جایگاه حقوقی دارند. با سکوت کار درست نمی‌شود. باید به افکار عمومی حقایق را بگویند و ورزش را از بی‌حسی دربیاورند. یک فوتبالیست کوچکترین اتفاقی برایش می‌افتد تمام رسانه‌ها اخبارش را منعکس می‌کنند ولی ورزش ما با یک معضل بزرگ روبه‌رو شده اینکه همه در کما هستند. چه کسی باید به این موضوع رسیدگی کند.

رییس‌جمهور به این موضوعات ورود نکردند؟

من اطلاع دقیقی ندارم و نمی‌دانم که آگاهی‌های ایشان نسبت به این قضایا چقدر است.

ولی گفتند کتبا دستور دادند که تیم‌ملی قایقرانی با سرپرستی شما به المپیک اعزام شود.

نه این‌طور نبود. اولا فدراسیون جهانی گفت من باید به عنوان سرپرست همراه تیم به المپیک بروم اما چون رفتار آقایان غیرحرفه‌ای بود و من نمی‌خواستم با سرنوشت ورزشکاران بازی کنم این تاییدیه را انجام دادم و سرپرست هم نشدم. اگر من به المپیک رفتم به دلیل پوزیشن جهانی‌ای بود که خودم داشتم.

الان وضعیت چطور است، با وزیر صحبتی نداشتید؟

نه هیچ صحبتی نکردیم.

این بحثی که می‌گویند سجادی، معاون قهرمان وزارتخانه به وزیر مشاوره‌های غلط داده که حتی باعث درگیری لفظی‌شان هم شده را تایید می‌کنید؟

بله شنیدم اما واقعیتش این است که در راس همه این بحث‌ها اول وزیر است بعد معاونانش. ما انتقاد می‌کنیم علی‌آبادی چرا در مراسم افتتاحیه المپیک لندن رژه رفته است اما در کنارش می‌بینیم وزیر ورزش آن‌قدر در حین مسابقات احساسی می‌شود، تشویق می‌کند، داد می‌زند و بالا و پایین می‌پرد که متاسف می‌شوی کسی که عضو کابینه است این حرکات را انجام می‌دهد. ایشان شأنیت دیپلماسی دارد، آدم عادی‌ای نیست. مدیران ورزش ما باید بدانند ورزش یک بازی است. مدیران نباید در این بازی وارد حوزه احساسات شوند. آنها وظیفه‌شان مدیریت است. مدیر ورزش باید دیسیپلین و چارچوب‌ها را رعایت کند. متاسفانه حوزه دخالت فنی مدیران ما در ورزش زیاد است. خصوصا برای آنهایی که ورزشی نیستند. نسخه‌هایی که می‌پیچند سطحی است. توصیه من به این دوستان این است که نیایند از راه نرسیده در مسایل تکنیکی و کوچ اینگ دخالت کنند. پای صحبت اهالی ورزش بنشینند و یاد بگیرند.

فکر می‌کنید اگر IOC به وزارت ورزش فشار بیاورد انتخابات فدراسیون قایقرانی را دوباره برگزار می‌کنند؟

از این دوستانی که رفتار غیرحرفه‌ای انجام می‌دهند، هیچ چیز بعید نیست. به هرحال باید یک دستمایه‌ای وجود داشته باشد که این کارها را انجام می‌دهند.

طبق قانون چقدر از ریاست‌تان باقی مانده؟

یک سال‌ونیم دیگر مانده و این مدت از هر زمانی که دوباره به فدراسیون برگردم محاسبه می‌شود.

فکر نمی‌کنید وزارت ورزش کاری که با زنگی‌آبادی رییس فدراسیون دوچرخه‌سواری کرد و از روسای هیات‌ها برای برکناری‌اش امضا جمع کرد با شما هم بکند؟

نه، هر کاری بکنند غیرقانونی است. ضمن اینکه مراجع جهانی این کارهای دسته پایین را اصلا نمی‌پذیرند. البته همان روزهای اول قصد داشتند این کار را بکنند اما روسای هیات‌ها این کار را نکردند.

اگر دوباره برگردید فکر می‌کنید بتوانید با این مجموعه همکاری کنید؟

من کار خودم را می‌کنم. قبل از این هم در چارچوب کار می‌کردم.

پس مشکلشان با شما چه بود؟

اینها آدم بله‌قربان‌گو می‌خواهند که من نبودم. این افراد عموما بی‌اطلاع از ورزش هستند و مجیز هر رییسی را که آمده گفتند و این آفت بزرگ ورزش ما بوده. آنهایی هم که با اطلاع هستند امکان حرف زدن ندارند. کما اینکه ما این موضوع را در رسانه‌های ورزشی هم می‌بینیم. مجریانی که در تلویزیون مجیز این روسا را می‌گویند. این مجریان اگر بروند فیلم‌های چندساله برنامه‌هایشان را مرور کنند می‌بینند که مجیز همه را گفتند اما وقتی با آنها حرف می‌زنی منتقد هم هستند.

اگر تعلیق بشویم محرومیت‌ها تا چه زمانی خواهد بود؟

امیدوارم که اینطور نشود اما مدت تعلیق به سرعت عمل و تعامل مجموعه ورزش که شامل وزارتخانه، کمیته ملی المپیک و همه فدراسیون‌هاست بستگی دارد که بتوانند اساسنامه خودشان را منطبق با اصول و چارچوب منشور المپیک به اضافه قوانین خاص فدراسیون‌های جهانی مرتبط تدوین و ارایه کنند. امیدوارم با توجه به زمانی که وجود دارد مدیران با تدبیر و تعامل به اضافه سرعت عمل این خسارت را به حداقل کاهش بدهند.

حرف آخر...

فقط به دوستان‌مان می‌گویم که در سایه موفقیت‌های اخیر ورزش ایران هر کاری که می‌خواهند انجام ندهند. چون امثال بنده به آنها اجازه چنین کاری را نمی‌دهیم و تا آخر از موضعی که داریم دفاع می‌کنیم. به نظر می‌آید همان‌طور که گفتم در کنار این بحث‌ها فرصت‌های خوبی هم برای ورزش کشور به‌وجود خواهد آمد.

مجریانی در تلویزیون هستند که مجیز روسای ورزشی را می‌گویند. این مجریان اگر بروند فیلم‌های چندساله برنامه‌هایشان را مرور کنند می‌بینند که مجیز همه را گفتند اما وقتی با آنها حرف می‌زنی منتقد هم هستند

■■■

من ۳۲، ۳۳ سال کار مدیریتی کردم، از لحاظ تحصیلات عالی‌ترین سطح آکادمیک را دارم، سوابقم برای همه روشن است و مسوولیت‌های زیادی را در کشور داشتم و کسی نیستم که بتوانند نقطه‌ضعفی را به من وارد کنند

زاویه

تغییرات گسترده در فدراسیون بوکس

تیم‌ملی بدون سرمربی

■ اولین جلسه هیات‌رییسه فدراسیون بوکس بعد از بازی‌های المپیک لندن برگزار شد که در آن تغییر و تحولات زیادی در کمیته‌های مختلف فدراسیون صورت گرفت. به گزارش ایسنا، این جلسه دوشنبه‌شب در محل فدراسیون بوکس با حضور تمامی اعضا برگزار شد که «حسین نهرودی» سرمربی تیم‌ملی، منوچهر مقصودی نایب‌رییس فدراسیون و سرپرست تیم‌ملی و امیر دلشاد رییس سازمان لیگ بوکس به ترتیب گزارش‌هایی را درخصوص عملکرد بوکسورها در بازی‌های المپیک و نحوه برگزاری ششمین دوره لیگ و حاشیه‌های ایجادشده در مبارزه فینال در انزلی ارایه دادند. نکته مهم در این جلسه هیات‌رییسه این بود که مقصودی نایب‌رییس فدراسیون بسیار صریح و البته با خنده اعلام کرد: «افرادی که در فدراسیون حضور دارند و سن و سال‌شان مانند من بالاست خودشان استعفا دهند. من در اول این کار را می‌کنم و بعد از آن هم افرادی مثل سرهنگ میرفخرایی، نهرودی و غیره. هرکسی که سن و سالش این اجازه را نمی‌دهد خودش برود.» بعد از صحبت‌های مقصودی که البته با کمی طنز و خنده هم همراه بود احمد ناطق‌نوری رییس فدراسیون گفت نیازی به این نوع استعفا و کنار رفتن نیست بلکه باید از تجربه این افراد استفاده بهینه کرد، ضمن آنکه باید نفرات جوان را هم وارد فدراسیون کرد. از دیگر تغییر و تحولات در فدراسیون این بود که به پیشنهاد ناطق‌نوری قرار شد اعضای کمیته داوران همه به کار تدریس داوری منتقل شوند و کمیته جدید با مسوولیت همایون اردلان، دبیر فدراسیون و عضو سابق هیات ژوری جهان و المپیک تشکیل شود. با نظر همه اعضای هیات‌رییسه، حسین نهرودی سرمربی تیم‌ملی هم که سال‌هاست در این بخش تلاش می‌کند، قرار شد به عنوان مدرس فدراسیون مشغول به کار شود و دیگر در تیم‌ملی پست سرمربی وجود نداشته باشد و از این پس مربیان تیم‌ملی از بین جوانان انتخاب شوند. تغییر و تحولات در کمیته‌ها و بخش‌های مختلف فدراسیون به همین جا ختم نشد و مقرر شد یک نیروی جوان به کمیته سازمان لیگ بوکس اضافه شود و در کنار امیر دلشاد قرار بگیرد.

ناطق‌نوری: به نفع جوانان کودتا کردیم

■ پس از جلسه هیات‌رییسه، «احمد ناطق‌نوری» رییس فدراسیون در مورد این تغییر و تحولات ناگهانی گفت: «به نفع جوانان کودتا کردیم تا در بوکس تحول ایجاد کنیم. این تغییرات پایه برنامه‌ریزی برای آینده است.» او در مورد اینکه قرار است از این پس پست سرمربی در تیم‌ملی نباشد، افزود: «قرار شد حسین نهرودی که تجربه گرانبهایی دارد دیگر سرمربی تیم‌ملی نباشد و به عنوان مدرس کار تدریس و آماده‌سازی مربیان استانی جوان را بر عهده بگیرد. نهرودی علاوه بر اینکه در عرصه بین‌المللی در بحث فنی تجربه بسیار بالایی دارد در کلاس پیشرفته مربیگری که زیرنظر ساگارو برگزار شد با بهترین رتبه و امتیاز قبول شد. از این به بعد مربیان جوان باید زیر نظر این مدرسان آموزش ببینند و هرکسی که در امتحانات و کلاس‌های آنها بیشترین نمره را آورد و در مسابقات مختلف هم عملکرد بهتری داشت در تیم‌ملی کار کند. البته تعداد شاگردان آنها در تیم‌ملی هم خیلی مهم است. حسین نهرودی، عبدالرضا انصاری و غلامرضا کریمی که از مربیان باتجربه و البته سن‌بالای ما هستند به عنوان مدرس به استان‌ها می‌روند و سطح علمی آن مربیان را افزایش خواهند داد. هر یک از این مدرسان هر ماه به یک استان می‌روند.» ناطق‌نوری در مورد منحل شدن کمیته داوران و دستور به تشکیل کمیته جدید داوران زیر نظر همایون اردلان ادامه داد: «تصمیم گرفتیم پنج عضو فعلی کمیته داوران به کار تدریس مشغول شوند و از استان‌های بوکس‌خیز که داوران خوبی با مدرک بین‌المللی و ملی دارند و به زبان انگلیسی مسلط هستند کمیته‌ای جدید با نظراتی جدید تشکیل دهند. اردلان عضو سابق هیات ژوری بوکس جهان است که سابقه حضور در المپیک را هم دارد و فردی باتجربه است. البته در عین حال برای کمک به اردلان قرار شد یک فرد جوان هم به این کمیته اضافه شود. روح‌الله حسینی که دکترای تربیت‌بدنی دارد و از طلی‌پوشان خوب و باسابقه ایران است به عنوان دبیر کمیته داوران کار خواهد کرد. عبدالحسین میرفخرایی دیگر رییس کمیته داوران نیست. این فرد باتجربه از موسپیدان بوکس ایران بوده و اکنون به اتاق فکر فدراسیون اضافه شد. او به همراه من و چند نفر دیگر در فدراسیون که همه پا به سن گذاشته هستیم حقوقی نمی‌گیریم و تنها به دلیل عشق و علاقه خود به بوکس فعالیت می‌کنیم. من از عملکرد تمام این دوستان طی این سال‌ها راضی هستم. قرار است تا با اعضای اتاق فکر هر دو هفته یک‌بار جلسه بگذاریم و برای آینده بوکس تصمیم بگیریم.» او در مورد اضافه شدن یک جوان دیگر هم به سازمان لیگ بوکس در کنار امیر دلشاد گفت: «این جوانگرایی را برای آغاز تحول در بوکس شروع کردیم. البته با وارد شدن نهرودی، انصاری و کریمی به عرصه تدریس در این بخش هم وحدت رویه ایجاد می‌شود و در کنار وحدت رویه‌ای که در دل تغییرات در کمیته داوران پوشیده است روزهای بهتری در پیش است. در بازی‌های المپیک لندن بیش از ۸۰درصد مربیان تیم‌های ملی دیگر را دیدم که سن و سال‌شان مانند حسین نهرودی سرمربی تیم‌ملی ایران بود. این نشان می‌دهد که آنها هم به استفاده از تجربیات معتقد هستند. شاید این مربیان موسپید توان کار با جوانان در تمرینات را نداشته باشند اما تجربه بالایی دارند که می‌توانند با کمک جوانان کارهای بزرگی انجام دهند.»